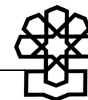


۳۱. لزوم ارائه راهکار برنامه‌ای در خصوص چالش فقدان نظام تعرفه‌ای مناسب

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. دلایل ضرورت اصلاح نظام تعرفه‌ای، چالشی اساسی و راهکاری ضروری
۶	۲. معیارهای ارزیابی حوزه نظام تعرفه‌ای
۱۴	۳. حکم پیشنهادی برای اصلاح نظام تعرفه‌ای در برنامه پنجم توسعه
۱۷	منابع و مأخذ



۳۱. لزوم ارائه راهکار برنامه‌ای در خصوص چالش فقدان نظام تعرفه‌ای مناسب

چکیده

نظام تعرفه‌ای و مناسبات حاکم بر آن یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های سیاستگذاری تجاری است که در چهار برنامه توسعه بعد از انقلاب برای اصلاح آن و دستیابی به نظام تعرفه‌ای مناسب احکام متعددی ارائه شده، ولی هنوز با نارسایی‌ها و خلأهای فراوانی روبرو است تا جایی که در شرایط فعلی، فقدان نظام تعرفه‌ای مناسب به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کشور مطرح است.

جایگاه نظام تعرفه‌ای در برنامه‌ریزی اقتصادی به‌دلیل تأثیر بسزای آن بر فضای بازرگانی خارجی به‌واسطه ایجاد محدودیت‌های تجاری، تأثیر بر فضای بازرگانی داخلی به‌واسطه تنظیم و تأمین بازار داخلی، تأثیر بر فضای تولیدی کشور از طریق اعمال سیاست‌های حمایتی، تأثیر بر فضای حاکم بر اقتصاد غیررسمی و کاهش قاچاق و... جایگاهی حیاتی در حوزه بازرگانی است. از این‌رو بروز چالش در نظام تعرفه‌ای موجب اختلال در بسیاری از بازارهای اقتصادی شده و رفع آن گامی مثبت در راستای اصلاح فضای کسب‌وکار تلقی می‌شود.

این مطالعه تلاش می‌کند ارائه‌دهنده قواعدی باشد که با جهت‌دهی به فعالیت‌ها و اقدامات دولت در این محور گامی مثبت در ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی برداشته و نظامات حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی را از تصمیمات شتابزده پرهیز دهد.

در این راستا مأموریت‌هایی مورد نظر قرار می‌گیرند که بتوانند به هدفگذاری وظایف دولت پرداخته و اولویت‌های اصلی این بخش را در زمانبندی برنامه پنجم مورد نظر قرار دهد. برای این اقدام توجه به زیرساخت‌های مورد نیاز، مقتضیات سازمان مجری و چگونگی تجهیز و هماهنگی عوامل مؤثر بر نتیجه امری ضروری است.



مقدمه

نرخ تعرفه اصلی‌ترین ابزار کشورها برای اعمال سیاست‌های حمایتی و یا آزادسازی تجاری است. براساس تعاریف بین‌المللی،^۱ تعرفه^۲ شامل حقوق و عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای یک کشور بر کالاهای وارداتی از کشورهای دیگر است. تعرفه معمولاً درصدی از ارزش کالا یا مبلغی معین به ازای هر واحد کالا یا تلفیقی از این دو است.

در قوانین داخلی^۳ به نرخ تعرفه، نرخ حقوق ورودی اطلاق می‌شود و نوعی مالیات غیرمستقیم (مالیات بر واردات) است که بنا به مقتضیات خاص هر کشور برحسب ارزش کالا یا واحدی مقطوع از واردات اخذ می‌شود.

هرچند در قوانین مختلف از جمله قانون امور گمرکی،^۴ قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت^۵ و یا قانون موسوم به تجمیع عوارض^۶ به تعاریفی از حقوق ورودی (یا حقوق گمرکی) اشاره شده است، اما آخرین تعریف از این اصطلاح به ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده^۷ برمی‌گردد.

مطابق تعریف این ماده حقوق گمرکی معادل ۴ درصد ارزش گمرکی کالاها تعیین و به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیئت وزیران تعیین می‌شود، حقوق ورودی اطلاق شد.

بنابراین حقوق ورودی پس از تصویب این قانون تلفیقی از حقوق گمرکی مصوب مجلس و سود بازرگانی مصوب دولت است که براساس درصدی از ارزش کالا و مطابق تعرفه، طی مراحل مختلف براساس قانون تعیین و دریافت می‌شود. بنابراین حقوق ورودی اخذ شده از واردات ماحصل دو مقوله ارزش واردات و نرخ حقوق ورودی است، البته علاوه بر ۴ درصد فوق ۳ درصد مالیات بر ارزش افزوده (۱/۵ درصد مالیات به علاوه ۱/۵ درصد عوارض) نیز از واردات اخذ می‌شود.

۱. صادقی یارندی، سیف‌الله و مسعود طارم‌سری، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، تهران، ۱۳۸۵.

2. Tariff

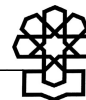
۳. قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتادوپنجم (۸۵) قانون اساسی و تصویب آزمایشی و پنج‌ساله آن توسط مجلس، تأیید ۱۳۸۷/۲/۲ شورای نگهبان.

۴. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۰ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

۵. قانون واگذاری انحصاری تجارت خارجی مملکت به دولت مصوب ۱۳۰۹/۱۲/۶ مجلس شورای ملی و اصلاحات بعدی آن.

۶. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.

۷. قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتادوپنجم (۸۵) قانون اساسی و تصویب آزمایشی و پنج‌ساله آن توسط مجلس، تأیید ۱۳۸۷/۲/۲ شورای نگهبان.



۱. دلایل ضرورت اصلاح نظام تعرفه‌ای، چالشی اساسی و راهکاری ضروری

بخش بازرگانی یکی از عوامل تسریع‌کننده رشد و تحول در سایر بخش‌های اقتصادی است. نرخ تعرفه یکی از عوامل مختلف مؤثر بر کارایی این بخش است که می‌تواند به‌عنوان ابزار کنترل و سیاستگذاری در نظام بازرگانی محسوب شود و از سوی دیگر با عدم دقت در استفاده از آنها، نظام بازرگانی و سیاست‌های کلان اقتصادی دچار بحران شده و هر نوع برنامه‌ریزی در این امر اثرگذاری خود را از دست می‌دهد. وضع سیاست‌های حمایتی اهدافی را دنبال می‌کند که در رأس آن حمایت از تولید داخلی، حفظ سطح اشتغال و کسب درآمدهای بودجه‌ای قرار دارند. با این حال در تبیین این سیاست‌ها توجه به عمل متقابل کشورهای طرف تجاری جهت جلوگیری از آسیب‌های احتمالی و انزوا در محیط بین‌الملل ضروری است.

الف) نرخ‌های بالای تعرفه، می‌تواند با حمایت از یک بخش اقتصادی منافی برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد کند.

این نرخ‌ها دارای آثاری به‌شرح ذیل هستند:

۱. معمولاً بهای این حمایت را مصرف‌کنندگان با اجبار به خرید محصولات بی‌کیفیت می‌پردازند.

۲. حمایت‌های افراطی و بلندمدت معمولاً به کاهش کارایی و بهره‌وری در بخش مربوطه می‌انجامد.

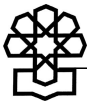
۳. از دیگر آثار منفی تعرفه‌های بالا ایجاد و تقویت انگیزه برای قاچاق است.

۴. هزینه‌های اجتماعی این حمایت‌ها بسیار بیش از منافی خواهد بود که عاید یک یا چند بخش خاص اقتصادی می‌شود.

۵. افزایش ناگهانی تعرفه منجر به کاهش واردات رسمی شده و نیاز داخلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۶. این حمایت‌ها در کالاهایی که امکان قاچاق آنها میسر است به توسعه اقتصاد زیرزمینی و پنهان می‌انجامد. بنابراین افزایش تعرفه الزاماً به افزایش درآمد مالیات بر واردات و یا حمایت از بخش خاص منتهی نمی‌شود و می‌تواند منجر به افزایش قاچاق و یا افزایش تولیدات ناکارآمد شده و به زیان مصرف‌کننده نیز تمام شود.

نرخ‌های تعرفه‌ای که با هدف وصول درآمدهای بیشتر برای دولت وضع می‌شود تبعاتی مانند ایجاد فضای نامناسب برای فعالان بخش تجارت به‌خصوص افزایش پدیده قاچاق یا گسترده‌ی اقتصاد زیرزمینی را فراهم می‌کند که همین امر می‌تواند به کاهش درآمدهای دولت از طریق واردات



قانونی نیز بیانجامد.

هرگونه افزایشی در تعرفه که از حد بهینه آن بالاتر باشد، هر چند ممکن است به بهبود رابطه مبادله منجر شود اما منافع جامعه از این بابت به اندازه‌ای نخواهد بود که بتواند زیان‌هایی را که نتیجه آن کاهش حجم تجارت است جبران کند.

جلوگیری از افزایش نرخ‌های تعرفه بدون انجام کار کارشناسی و پرهیز از نگاه صرف به نرخ تعرفه به‌عنوان عاملی جهت افزایش درآمدهای دولت می‌تواند تأثیر بسزایی در اصلاح نظام تعرفه‌ها و افزایش کارایی بخش بازرگانی در کشور داشته باشد.

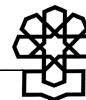
ب) برنده اصلی سیاست‌های حمایتی، صاحبان صنایع جانشین واردات هستند. حتی اگر این صنایع نوپا باشند، حمایت از آنها موجب عدم رشد بهره‌وری خواهد شد، زیرا تعرفه‌های اعمال شده به‌ندرت حذف می‌شوند و این صنایع با اعمال فشار بر تصمیم‌گیران اقتصادی به تداوم حمایت اصرار خواهند داشت. اصلاح این مشکل گامی مؤثر در راستای تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از رانت‌های اقتصادی برای بخش‌هایی خاص و توسعه رقابت است.

ج) تغییرات متعدد تعرفه‌ای بدون توجه به مباحث کارشناسی آسیبی جدی در نظام تعرفه‌ای است. کاهش شدید نرخ‌های تعرفه منجر به ایجاد مزیت برای کالاهای خارجی و افزایش شدید واردات می‌شود و همین امر می‌تواند در صورت عدم انعطاف تولید داخلی منجر به واردآمدن صدمات جدی به تولید داخلی شود.

تغییرات نرخ‌های تعرفه بر صادرات نیز مؤثر است. از طرفی هرگونه ضربه به تولید داخلی بازار صادراتی کشور را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و از طرف دیگر در صورت افزایش نرخ‌های تعرفه و وجود بازار انحصاری در تولید داخلی، قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های جهانی بیشتر شده و به همین دلیل تولیدکنندگان انگیزه خود برای صادرات را از دست می‌دهند. اصلاح این مهم گامی مؤثر برای توسعه تجارت و ساماندهی امور مربوط به فضای کسب‌وکار شامل تولید، واردات و صادرات است.

د) یکی از مشکلات نظام تعرفه‌ای وجود فشارها از طرف گروه‌ها، اتحادیه‌ها و یا سازمان‌های بخشی بر تغییرات تعرفه‌ای است به‌نحوی که در برخی موارد توجیه، دلیل، گزارش مکتوب و بررسی علمی برای نحوه تعیین تعرفه‌ها وجود ندارد و برخی از بخش‌های اقتصادی خاص مدت‌های طولانی از مزیت تعرفه‌های بالا برای ادامه فعالیت استفاده می‌کنند، در حالی‌که مصرف‌کنندگان دائماً بهای عدم کارایی آن را در استفاده از تولیدات نامرغوب می‌پردازند که گویای حمایت بی‌قیدوشرط، بی‌برنامه و فاقد زمان‌بندی از یک بخش خاص است.

اصلاح این رویه گامی مهم برای جلوگیری از نگاه بخشی به مباحث کلان کشور و توجه به



توجیحات و دلایل کارشناسی در نظام تعرفه‌هاست.

ه) هرچند شرایط فعلی نظام تعرفه‌ای نسبت به سال‌های قبل از تصویب قانون تجمیع عوارض (۱۳۸۱) از نظر سطوح تعرفه‌ای و اختلاف کرانه‌های تعرفه‌ای در شرایط مناسب‌تری است، ولی هنوز کرانه‌های وسیع تعرفه‌ای و تفاوت‌های متعدد در بخش‌های مختلف یکی از مشکلات اساسی نظام تعرفه‌ای است. توسعه معافیت‌های تعرفه‌ای نیز در ایجاد این تفاوت‌ها مؤثر است. کاهش کرانه‌های تعرفه‌ای به معنای رفع اختلاف میان کمترین و بیشترین سطوح تعرفه‌ای گامی اساسی برای ایجاد ثبات و عدالت اقتصادی و جلوگیری از گسترش پدیده قاچاق و رانت اقتصادی است.

و) یکی از مشکلات اساسی نظام تعرفه‌ای استفاده از روش‌های غیرشفاف و غیرمنصفانه در روش تعیین و محاسبه تعرفه است به این ترتیب که از میان چهار روش ارزشی، خاص، جایگزین و ترکیبی در برخی موارد از روش ارزشی که شفاف، قابل اندازه‌گیری، عادلانه، منصفانه، قابل برآورد، دارای قابلیت تثبیت و چانه‌زنی بوده و محاسبه آن نیز ساده و آسان است استفاده نشده و به جای آن روش تعرفه خاص مورد نظر قرار گرفته که روشی غیرشفاف و غیرمنصفانه بوده و در برابر افزایش قیمت نیز بسیار آسیب‌پذیر است. بنابراین با توجه به نتایج تغییرات متعدد تعرفه‌ای بر بی‌ثباتی بازار و ایجاد رانت اقتصادی اصلاح روش‌های مورد عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است.

استفاده از روش شفاف و دقیق ارزشی برای عموم کالاها اصلی است که موجب ارتقای کارایی نظام تعرفه‌ای شده و استفاده از دیگر روش‌ها از جمله روش تعیین تعرفه به صورت خاص باید به برخی کالاها در زمانی که روند قیمت‌ها کاهشی است محدود شود.

ز) یکی از مهمترین مسائلی که لازم است در اصلاح نظام تعرفه‌ای مورد توجه قرار گیرد ادامه روند تکیه بر استفاده از ابزار تعرفه و حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای در تجارت خارجی است. این مسئله بنا به اهمیت آن در ماده (۱۱۵) قانون برنامه سوم و ماده (۳۳) قانون برنامه چهارم مورد توجه قرار گرفته بود با این حال هنوز انگیزه استفاده از روش‌های غیرتعرفه‌ای مانند اخذ مجوز از وزارتخانه‌های دولتی وجود دارد که این امر به توسعه رانت اقتصادی و گسترش دخالت دولت در اموری که کاملاً به بخش خصوص واگذار شده است، می‌شود.

تکیه بر روش تعرفه‌ای و پرهیز از استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای گامی است که نه تنها به توسعه فضای رقابتی می‌انجامد، بلکه در راستای تطبیق سیاست‌های تجاری با سیاست‌های سازمان جهانی تجارت نیز مطلوب و مثبت ارزیابی می‌شود.

ه) از دیگر مواردی که در توسعه صادرات و رفع موانع پیش‌روی آن مؤثر است، حذف هرگونه مالیات و عوارض بر صادرات است. هرچند در تعاریف بین‌المللی ارائه‌شده توسط سازمان



جهانی گمرک (WCO) حقوق گمرکی از هر دو رویه واردات و صادرات اخذ می‌شود، ولی در کشورهای که سیاست بازرگانی آنها سیاست تجاری مبتنی بر توسعه صادرات است نه تنها صادرات از حقوق گمرکی معاف است، بلکه جوایزی نیز برای تشویق صادرکنندگان به ایشان پرداخت می‌شود. در سیاست‌های برنامه‌ای وضع هرگونه عوارض بر صادرات نیز ممنوع می‌شود. البته در ارائه این‌گونه امتیازات لازم است به سهم یارانه‌های اعطایی در کالاهای صادراتی و میزان ارزش افزوده ایجاد شده برای تولید کالاها دقت نمود تا فرایند صادرات به اعطای یارانه به کشورهای طرف تجاری و خروج گسترده کالاهای خام منجر نشود.

با توجه به موارد فوق اعمال سیاست اقتصادی مناسب و پایدار در بخش تعیین تعرفه‌های کالاهای وارداتی و اخذ عوارض از صادرات می‌تواند گام مهمی در مبارزه با قاچاق و عملی شدن سیاست‌های تعرفه‌ای در حمایت از تولید و اشتغال در کشور به حساب آید.

۲. معیارهای ارزیابی حوزه نظام تعرفه‌ای

۲-۱. پیشینه نظام تعرفه‌ای در برنامه‌های توسعه قبلی

یکی از اصلی‌ترین ابزارهای سیاستگذاری در حوزه‌های بخشی از جمله بخش بازرگانی استناد به احکام قانونی است که در برنامه‌های توسعه مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است.

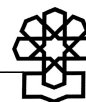
با توجه به ۵۲ تبصره مندرج در قانون برنامه اول توسعه^۱، ۱۰۱ تبصره مندرج در قانون برنامه دوم توسعه^۲، ۱۹۹ ماده مندرج در قانون برنامه سوم توسعه^۳ و ۱۶۱ ماده مندرج در قانون برنامه چهارم توسعه^۴ مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و تلاش شده است تا از میان احکام متعدد مندرج در این قوانین تمامی احکام حوزه بازرگانی به منظور بررسی روند حاکم بر سیاستگذاری تجاری در احکام برنامه‌های توسعه احصا شود.

۱. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ شورای نگهبان.

۲. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ شورای نگهبان.

۳. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ شورای نگهبان.

۴. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶، مجمع تشخیص مصلحت نظام.



جدول ۱. مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه‌ای

موضوع	ماده مشابه برنامه اول	ماده مشابه برنامه دوم	ماده مشابه برنامه سوم	حکم قانونی برنامه چهارم
الف) تعرفه واردات و رفع موانع غیرتعرفه‌ای	تبصره «۴۱» - افزایش یا کاهش سود بازرگانی به منظور حمایت از تولیدات داخلی و بالا بردن کیفیت آن.	جزء ۲ بند و تبصره «۱۹» - تعیین و اعمال تعرفه‌های سود بازرگانی (برای واردات) و عوارض (برای تولیدات داخلی) به نحوی که در صورت عدم رعایت مشخصات فنی و معیارهای تعیین شده از طرف دولت، تولیدکنندگان و واردکنندگان این تجهیزات مشمول پرداخت و تعرفه‌ها گردند.	ماده (۱۱۵) - حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت ممنوعیت‌های شرعی و تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی	بند «ب» ماده (۴۱) - تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرات‌گرا
	جزء ب بند «۳» تبصره «۲۱» - تعیین نرخ‌های تعرفه‌ای حقوق گمرکی توسط مجلس شورای اسلامی و سود بازرگانی توسط دولت	جزء ب بند «۳» تبصره «۲۱» - نرخ های تعرفه و سود بازرگانی به نحوی تعیین می‌شود که قیمت تمام شده محصولات وارداتی از قیمت تضمینی محصولات مشابه داخلی کمتر نباشد	بند «ز» ماده (۳۳) - حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمانبندی معین و در قالب پیش‌آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه	
	جزء ج بند «۳» تبصره «۲۱» - ابقای قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راهسازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آنها			



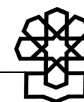
موضوع	ماده مشابه برنامه اول	ماده مشابه برنامه دوم	ماده مشابه برنامه سوم	حکم قانونی برنامه چهارم
معاذت حقوق ورودی (ب)	تبصره «۳۲» - لغو کلیه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی شرکت‌های دولتی و تفکیک عملیات انتفاعی آنها از عملیات اجتماعی و حمایتی دولت به منظور بهبود مدیریت، تعیین میزان قطعی اموال و دارایی‌ها و سهام دولت در شرکت‌های دولتی	بند «۱» تبصره «۲۱» - شفاف کردن سوبسیدهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی جزء الف بند «۳» تبصره «۲۱» - کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات، معافیت‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی وزارتخانه‌ها سازمان‌ها و... لغو می‌گردد. جزء الف بند «۳» تبصره «۲۱» - تأمین اعتبارات لازم برای هزینه‌های ناشی از لغو معافیت	ماده (۵۸) - از سال ۱۳۷۹ کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی و حقوق گمرکی کلیه دستگاه‌ها غیر از معافیت‌های برقرار شده براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی تجاری و ... لغو می‌گردد	ماده (۴) - برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع می‌باشد

مأخذ: قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، لوح حق (حافظه قوانین)، مجموعه قوانین و مقررات کشور، دفتر فناوری‌های نوین، معاونت پژوهشی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

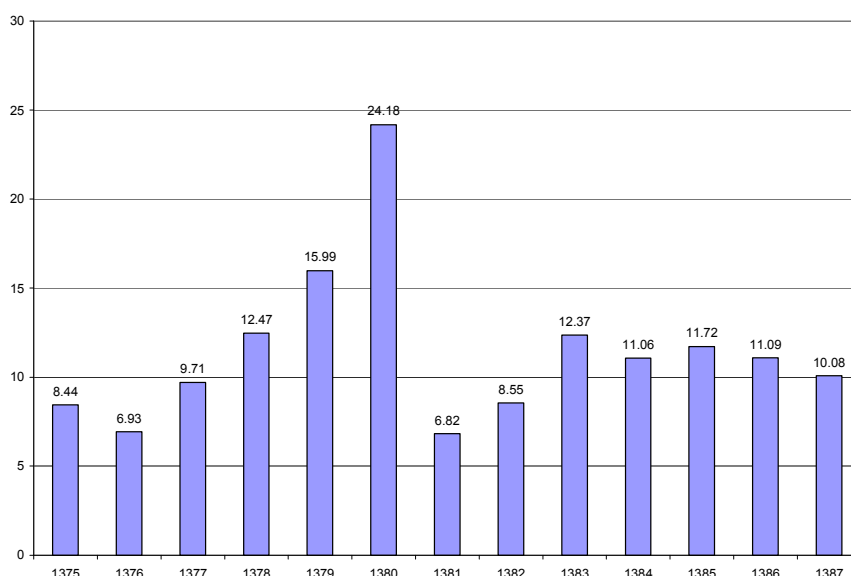
۱-۱-۲. تعرفه واردات و رفع موانع غیرتعرفه‌ای

روند تبدیل سیاست جایگزینی واردات به سیاست توسعه صادرات و انجام اصلاحات اقتصادی در کاهش سطوح تعرفه‌ای و آزادسازی اقتصادی در سال‌های بعد از برنامه سوم به نحوی که در جدول مشاهده می‌شود کاملاً محسوس است. این روند در برنامه چهارم تکمیل شده به نحوی که دیگر به جای حمایت قطعی به حمایت منطقی و ضرورت ایجاد رقابت و تمرکز بر فعالیت‌های صادرات‌گرا تأکید می‌شود.

در بررسی این مواد می‌توان به روند رو به اصلاح نرخ‌های تعرفه در طول سال‌های برنامه اشاره کرد به نحوی که مطابق نمودار ذیل به‌خصوص بعد از سال ۱۳۸۱ با تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض اصلاحاتی مطلوب در زمینه بهبود شرایط تعرفه‌ای کشور ایجاد شد.



نمودار ۱. روند متوسط نرخ واقعی حقوق ورودی اخذ شده از کالاهای وارداتی در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷



مأخذ: فتح... تار، سعید غلامی باغی و سید خشایار سیدشکری، طرح پژوهشی نقش تعرفه‌ها در واردات و نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، گروه بازرگانی، پاییز ۱۳۸۷.

۲-۱-۲. معافیت حقوق ورودی

یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های تجاری که در کشور درخصوص تعرفه در سال‌های مختلف به چشم می‌خورد سیاست‌های تجاری مربوط به معافیت از پرداخت حقوق ورودی است.

در عین حال یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد رانت و مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده‌ترین موارد ایجاد استثنا و رانت در این امور مربوط به معافیت‌های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در تمامی برنامه‌های توسعه گذشته به موضوع معافیت‌ها توجه ویژه شده و تکرار این احکام در ماده (۴) قانون برنامه چهارم با این مضمون که برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع است، مؤید این موضوع



است که حذف و لغو معافیت‌های مندرج در قوانین مختلف یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های برنامه‌ای بخش بازرگانی محسوب می‌شود.

با این حال بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که علیرغم تأکید به این حکم در قوانین مختلف، اراده‌ای جدی در عمل برای اجرای آن وجود ندارد، زیرا هر بار قوانین جدیدی در ابقای این‌گونه معافیت‌ها ارائه شده و گروه‌های ذینفع این‌گونه معافیت‌ها چه به صورت منطقه‌ای و یا کالایی به دنبال حفظ منافع خود در بهره‌گیری از این معافیت‌ها هستند.

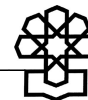
یکی از معضلات این حمایت‌ها آن است که همواره عده‌ای در صف اخذ مجوز دریافت این مزایا قرار دارند و خود را محق دریافت این حمایت‌ها دانسته و وجود تبعیض و حمایت را در کنار خود عاملی برای ایجاد فضای عدم رقابت سالم دانسته و تقاضا دارند به گروهی بپیوندند که در حال استفاده از این مزایاست. بنابراین درخواست‌ها برای بهره‌مندی از این مزایا ادامه داشته و گروهی که با حمایت به فعالیت خود ادامه می‌دهند و به دلیل برخورداری از این حمایت‌ها به رفع ساختاری و اساسی مشکلات خود نمی‌پردازند. از این رو حمایت از بخش‌های دارای معضل یا صنایع نوپا تنها در کوتاه‌مدت توصیه می‌شود و همواره باید از حمایت‌های بلندمدت پرهیز شود.

برای اصلاح این رویه در کنار ایجاد فضایی برای ادامه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی می‌توان با حذف تدریجی حمایت‌های مستقیم (مانند تخفیف در حقوق ورودی) در یک برنامه زمان‌بندی شده و جایگزینی آن با حمایت‌های ساختاری و اساسی (مانند افزایش بودجه طرح‌های عمرانی و اعتباری) در راستای رفع محرومیت‌ها و رفع نیاز و توسعه مناطق در چارچوب برنامه‌های کوتاه‌مدت و توجه به نیازهای مناطق محروم اقدام کرد تا هم کارآمدی کسب درآمدهای دولت محقق شود و هم گامی در راستای برقراری عدالت اجتماعی به صورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای هماهنگ با سیاست‌های کلان برداشته شود.

۲-۲. مشخصه‌ها و اهداف کلی احکام مربوط به نظام تعرفه‌ای

به‌طور کلی در برنامه‌ریزی برای اصلاح نظام تعرفه‌ای می‌توان به اهدافی به شرح زیر توجه کرد:

۱. ثبات نسبی تعرفه‌ها به‌منظور امکان برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی،
۲. جلوگیری از تغییرات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی نظام تعرفه‌ای،
۳. محاسبه و جبران ضرر و زیان وارده به بخش خصوصی در موارد اعمال تغییرات تعرفه‌ای،
۴. امکان حمایت از برخی کالاهای استراتژیک به صورت شفاف و مطابق با برنامه‌های زمان‌بندی از قبل اعلام شده،



۵. افزایش نرخ‌ها به صورت محدود و مشخص براساس مطالعات علمی و با توجه به مبانی نرخ تعرفه بهینه و نرخ حمایت مؤثر برحسب نوع صنایع (پایه، مواد اولیه، واسطه‌ای یا مصرفی) باشد و موجب تحمیل ناکارایی تولید بر مصرف‌کنندگان و افزایش حجم قاچاق نشود و از اعمال تغییرات تعرفه‌ای به واسطه دخالت مراجع سیاسی و خارج از روش قانونی کمیسیون ماده (۱) پرهیز شود،
۶. دستیابی به سطوح تعرفه بهینه (علمی) با قید رعایت نرخ‌های کمتر از ۱۵ درصد،^۱
۷. کاهش نرخ تعرفه کالاهای دارای نرخ‌های بالا با توجه به آثار نامطلوب نرخ‌های بالا در توسعه قاچاق،
۸. کاهش دامنه‌ها و کرانه‌های تعرفه‌ای با تفاوت‌های بالا و فاحش،
۹. استفاده از روش ارزشی برای تعیین نرخ‌های تعرفه و محدود کردن استفاده از روش تعرفه خاص برای کالاهای کشاورزی خاص که روند قیمت جهانی آنها کاهش یافته است و یا برای مبارزه با دامپینگ،
۱۰. حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و اتکا به محدودیت‌های تعرفه‌ای برای واردات
۱۱. حذف تمامی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و هرگونه عوارض برای صادرات کالاهای فراوری شده به استثنای سیاست‌های کنترلی برای صادرات کالاهای یارانه‌ای و خام از کشور،
۱۲. اعمال زمانبندی برای معافیت‌ها و لغو آنها براساس برنامه اعلام شده،
۱۳. محدودیت معافیت‌ها به معافیت سود بازرگانی در موارد خاص براساس قانون،
۱۴. استرداد حقوق ورودی مواد اولیه و واسطه‌ای مورد استفاده در روند تولید متناسب با ارزش افزوده ایجاد شده،
۱۵. توجه به سیاست بهبود فضای کسب‌وکار از طریق حل مشکلات تولید و اعطای امتیازهای حمایتی و تشویقی برای تولیدات خاص،
۱۶. توجه به سیاست و استراتژی مشخص در زمینه گسترش تعداد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که با توجه به معافیت این مناطق از پرداخت حقوق ورودی می‌تواند در کاهش نرخ متوسط تعرفه مؤثر باشد.
۱۷. و ...

۱. مطابق تعاریف ارائه شده توسط سازمان جهانی تجارت تعرفه‌های بالا (Peak Tariffs) نرخ‌های تعرفه برخی کالاهای خاص هستند که فاصله زیادی از متوسط ساده تعرفه در کشور دارند و بیانگر حمایت بالا از آن کالا است. هر چند وجود این نرخ‌ها نسبت به میانگین محاسبه می‌شود، ولی در دور مذاکرات اروگوئه به تعرفه‌های بالاتر از ۱۵ درصد، تعرفه‌های بالا اطلاق شده است.



۳-۲. شاخص‌های سنجش کارایی نظام تعرفه‌ای در ادبیات جهانی

اعمال سیاست‌های حمایتی عمدتاً از طریق وضع نرخ‌های بالای تعرفه‌ای انجام می‌شود و دارای آثار و تبعات متعددی است به همین دلیل باید در زمان اصلاح و تغییر نرخ‌های تعرفه به دلایل وضع آن توجه کرد^۱ و شاخص‌هایی از جمله حجم واردات، ارزش خارج شده از کشور به واسطه واردات، میزان وابستگی نیاز داخلی به تولیدات داخلی یا واردات، حجم تولیدات داخلی، میزان سرمایه‌گذاری در تولیدات داخلی، میزان ارزبری محصولات تولید داخلی، میزان صادرات تولیدات داخلی، میزان ارزآوری محصولات صادر شده، میزان وابستگی درآمدهای دولت به حقوق ورودی اخذ شده، میزان فعلی نرخ تعرفه که بیانگر میزان حمایت از صنایع داخلی است، جایگاه صنعت مذکور در اقتصاد کشور از نظر میزان ارزش افزوده ایجاد شده، میزان ارتباط صنعت با صنایع بالادستی، میزان ارتباط صنعت با صنایع پایین‌دستی، میزان اشتغالزایی صنعت، سهم اشتغال بخش در کل اشتغال کشور، تعداد بیکاران و نرخ بیکاری در کشور، وجود و یا عدم وجود موانع غیرتعرفه‌ای، اختلاف قیمت تمام شده کالاهای داخلی با قیمت فروش محصولات مشابه وارداتی، تفاوت بهره‌وری تولید داخلی با تولیدات خارجی، تفاوت کیفیت تولیدات داخلی با کالاهای وارداتی، میزان دامپینگ محصولات مشابه خارجی و ... را مورد توجه قرار داد.

تعداد این شاخص‌ها منحصر به موارد فوق نیست و برای دستیابی به نرخ تعرفه مناسب باید موارد متعدد دیگری نیز مورد نظر قرار گیرد به همین دلیل است که تعیین این نرخ‌ها براساس ماده (۱) قانون مقررات صادرات و واردات^۲ به دولت سپرده شده تا با انجام مطالعات کارشناسی به تعیین نرخ مطلوب و بهینه اقدام کنند.

یکی از معیارهای سنجش نظام تعرفه‌ای مناسب، توجه به معیارها و شاخص‌هایی است که در قواعد سازمان تجارت جهانی ترسیم شده است. این شاخص‌ها عمدتاً با توجه به سه اصطلاح تعرفه اسمی، تعرفه مورد عمل و تعرفه تثبیت‌شده تعریف می‌شوند.

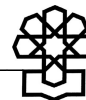
تعرفه اسمی^۳، نرخ تعرفه مندرج در جدول تعرفه کشور در مورد یک کالا یا محصول خاص است، ولی این نرخ می‌تواند لزوماً با نرخ‌های معروف به نرخ‌های تعرفه مورد عمل^۴ یعنی نرخ‌های

۱. فتح‌اله تازی، سعید غلامی‌باغی و سیدخشیار سیدشکری، طرح پژوهشی نقش تعرفه‌ها در واردات و نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، گروه بازرگانی، پاییز ۱۳۸۷.

۲. قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن به ضمیمه جداول مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۶، اداره کل مقررات صادرات و واردات، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، وزارت بازرگانی، صفحه ۵۰، سال ۱۳۸۶.

3. Nominal Tariff

4. Applied Tariff Rates



تعرفه که در واقع به وسیله مقامات گمرکی به هنگام ورود کالا اعمال می شود، یکسان نباشد. زیرا در بسیاری موارد کشورها جهت رفع محدودیت های تجاری و توسعه تجارت، سطوح تعرفه ای را به صورت داوطلبانه از نرخ های تثبیتی پیش بینی شده پایین تر می آورند، به این نرخ ها، نرخ تعرفه مورد عمل می گویند.

تعرفه های تثبیتی^۱ نرخ های مشخصی از تعرفه هستند که کشورها متعهد می شوند که نرخ های بالاتر از آن وضع کنند. هدف از تثبیت تعرفه^۲ به وجود آوردن اطمینان تجاری بیشتر از طریق وضع حداکثر یا سقف بر نرخ تعرفه است. اگر کشورها از نرخ های تثبیتی تجاوز کنند و نرخ های بالاتری را مورد عمل قرار دهند باید خسارت وارده به شرکای تجاری شان را جبران کنند.^۳

با توجه به تعاریف فوق شاخص های زیر برای سنجش کارایی نظام تعرفه ای و مقایسه آن با دیگر کشورها از دید سازمان تجارت جهانی مطرح می شود:

۱. کل تعداد خطوط تعرفه ای،
۲. سهم خطوط تعرفه ای تثبیت شده از کل سطوح تعرفه ای،
۳. میانگین تعرفه های تثبیتی در گروه های کالایی،
۴. انحراف معیار تعرفه های تثبیتی در گروه های کالایی،
۵. سهم خطوط تعرفه ای تثبیت شده در نرخ صفر (کالاهای معاف از حقوق ورودی) در گروه های کالایی،
۶. بالاترین نرخ های تعرفه تثبیتی در گروه های کالایی،
۷. سهم خطوط تعرفه تثبیت شده با تعرفه بالاتر از سه برابر میانگین،
۸. سهم خطوط تعرفه تثبیت شده با تعرفه بالاتر از ۱۵ درصد،
۹. میانگین تعرفه های مورد عمل در گروه های کالایی،
۱۰. انحراف معیار تعرفه های مورد عمل در گروه های کالایی،
۱۱. سهم خطوط تعرفه ای مورد عمل در نرخ صفر (کالاهای معاف از حقوق ورودی) در گروه های کالایی،
۱۲. بالاترین نرخ های تعرفه مورد عمل در گروه های کالایی،
۱۳. سهم خطوط تعرفه مورد عمل با تعرفه بالاتر از سه برابر میانگین
۱۴. سهم خطوط تعرفه مورد عمل با تعرفه بالاتر از ۱۵ درصد

1. Bound Tariffs

2. Binding

۳. سیف الله صادقی یارندی و مسعود طارم سیری، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین الملل و سازمان جهانی تجارت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی، وزارت بازرگانی، تهران، ۱۳۸۵.



۱۵. سهم خطوط تعرفه‌های غیرارزشی.^۱

توجه به شاخص‌های فوق از آن جهت حائز اهمیت است که شرایط ایران در شاخص‌های مذکور شرایط نامناسبی نیست.

البته باید توجه داشت در شرایط فعلی اقتصاد جهانی، بسیاری از کشورها جهت حفظ سطوح تولید داخلی خود سیاست‌های حمایتی برای بخش‌های خاص را در دستور کار خود قرار داده‌اند که مقایسه آن با شرایط داخلی ایران می‌تواند بیانگر نکات قابل تأملی باشد.

۳. حکم پیشنهادی برای اصلاح نظام تعرفه‌ای در برنامه پنجم توسعه

در تدوین حکم برنامه‌ای برای اصلاح نظام تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و نظارت بر واردات ساختار ذیل مورد استفاده قرار گرفته است:

۱. در طبقه‌بندی سطوح تعرفه‌ای کالاها به دو قسمت کالاهای استراتژیک و سایر کالاها تقسیم شده‌اند. اولین گام برای این اقدام احصای فهرست کالاهای استراتژیک است تا با نرخ‌هایی بالاتر از نرخ معین (مانند میانگین نرخ حقوق ورودی مؤثر سال‌های برنامه چهارم) از آنها حمایت شود. با این حال می‌باید جهت ایجاد رقابت و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی، تدبیری اندیشید تا حتی‌المقدور بتوان این کالاها را نیز در طول برنامه پنجم حداقل به سطح متوسط تعیین شده برسانیم. درخصوص سایر کالاها نرخ حقوق ورودی تمامی آنها باید کمتر از نرخ تعیین شده باشد تا تولیدکنندگان تلاش کنند همپای محصولات تولیدی در سایر کشورها تولید نمایند و وضع نرخ‌های بالاتر از آن ممنوع است.

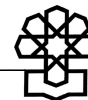
نتیجه اقدام، ساماندهی و جهت‌دهی مناسب به اقدامات دولت به‌منظور ایجاد شفافیت و ثبات و پرهیز از تغییرات متعدد در نظام تعرفه‌ای و ایجاد ثبات در فضای سیاست‌های بازرگانی است.

۲. علاوه بر اصلاح نظام تعرفه‌ای در بخش رفع موانع غیرتعرفه‌ای باید به اصلاح فضای کسب‌وکار و کاهش مراحل اداری تجارت و همچنین ممنوعیت وضع هرگونه مانع غیرتعرفه‌ای نیز اشاره کرد.

۳. درخصوص واردات کالاهای بی‌کیفیت نیز باتوجه به آثار سوء آن بر تولیدات داخلی و مصرف‌کننده و افزایش هزینه در اقتصاد لازم است کالاها در هنگام ورود براساس استانداردهای طبقه‌بندی شده مورد سنجش قرار گرفته و شناسایی کالاهای بی‌کیفیت وارداتی در دستور کار قرار گیرد.

باتوجه به مطالب فوق احکام پیشنهادی در قالب ۴ ماده به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. سیدمهدی، ناصری، دسترسی به بازار، مجموعه مقالات ساختار، قواعد و موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.



ماده (۱) - اصلاح نظام تعرفه‌ها

ماده (۱) - به منظور حمایت از تولید داخلی، ایجاد اشتغال، ایجاد ثبات در سیاست‌های بازرگانی، افزایش سهم صادرات غیرنفتی در کل صادرات کشور و هدفمندکردن حمایت‌های تعرفه‌ای، دولت مکلف است تعرفه کالاهای وارداتی را در دو دسته کالاهای استراتژیک و سایر کالاها به شرح ذیل تقسیم‌بندی و تعیین کند:

الف) تعرفه کالاهای استراتژیک

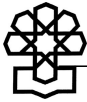
به منظور تعیین نرخ تعرفه کالاهای استراتژیک در حد فراهم‌شدن امکان حمایت از تولید داخلی آنها دولت مکلف است از طریق کمیسیون ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات فهرستی از کالاهای استراتژیک که نیاز به حمایت تعرفه‌ای بیش از میانگین نرخ حقوق ورودی مؤثر سال‌های برنامه چهارم دارند را براساس مطالعات کارشناسی تهیه و حداکثر ظرف ۶ ماه پس از تصویب این قانون به تصویب هیئت وزیران رسانده و نرخ حقوق ورودی آنها را اصلاح نماید. تبصره «۱» - وزارتخانه‌های متولی این کالاها (بجز محصولات کشاورزی) موظفند تا ۳ ماه پس از تصویب فهرست کالاهای مذکور، برنامه زمانبندی شده به منظور کاهش سالیانه نرخ حقوق ورودی از طریق کمیسیون ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران برسانند به نحوی که نرخ حقوق ورودی آنها تا پایان برنامه پنجم حداقل به سطح میانگین نرخ حقوق ورودی مؤثر سال‌های برنامه چهارم برسد.

ب) تعرفه سایر کالاها

به منظور ایجاد رقابت و افزایش کیفیت تولید داخلی و جلوگیری از ایجاد انگیزه قاچاق گمرکی برای سایر کالاها وضع نرخ حقوق ورودی بالاتر از سطح میانگین نرخ حقوق ورودی مؤثر سال‌های برنامه چهارم از تاریخ تصویب فهرست کالاهای استراتژیک موضوع این بند ممنوع است.

ماده (۲) - فضای کسب‌وکار تجاری و موانع غیرتعرفه‌ای

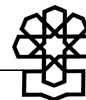
ماده (۲) - در راستای کاهش موانع غیرتعرفه‌ای و بهبود فضای کسب‌وکار تجاری و ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران در این شاخص دولت مکلف است، هزینه‌های اداری مورد نیاز، تعداد مراجع تأییدکننده اسناد، تعداد اسناد مورد نیاز و زمان صرف‌شده برای واردات و صادرات را کاهش دهد. تبصره - وضع هرگونه موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای صادرات به استثنای مواد خام و فراوری‌نشده و وضع موانع غیرتعرفه‌ای برای واردات ممنوع است.

**ماده (۳) - نظارت بر کیفیت واردات**

ماده (۳) - باتوجه به آثار نامطلوب ورود کالاهای خارجی بی کیفیت بر اقتصاد ملی، رفاه مصرف کننده و بهداشت جامعه دولت مکلف است نسبت به موارد ذیل اقدام نماید:

الف) حداکثر ۳ ماه پس از تصویب این قانون، نسبت به تعیین و تدوین استانداردهای مورد نیاز هر یک از کالاها اقدام و تدابیر لازم جهت اعمال آنها نسبت به کالاهای وارداتی اتخاذ نماید.

ب) نسبت به شناسایی کالاهای بی کیفیت و مجاری عمده رسمی و غیررسمی آن اقدام و با تشدید بازرسی های کمی و کیفی و افزایش نظارت های گمرکی موردی و جلوگیری از ثبت سفارش اینگونه کالاها از ورود آنها جلوگیری کند.



منابع و مآخذ

۱. تاری فتح...، غلامی باغی، سعید و سیدشکری، سیدخشیار. طرح پژوهشی نقش تعرفه‌ها در واردات و نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، گروه بازرگانی، پاییز ۱۳۸۷.
۲. صادقی‌یارندی، سیف‌الله و طارم‌سری مسعود. فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، تهران، ۱۳۸۵.
۳. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.
۴. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.
۵. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ شورای نگهبان.
۶. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۷. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ شورای نگهبان.
۸. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ شورای نگهبان.
۹. قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتادوپنجم (۸۵) قانون اساسی و تصویب آزمایشی و پنج‌ساله آن توسط مجلس، تأیید ۱۳۸۷/۳/۲ شورای نگهبان.
۱۰. قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن به ضمیمه جداول مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۶، اداره کل مقررات صادرات و واردات، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، وزارت بازرگانی، صفحه ۵۰، سال ۱۳۸۶.
۱۱. قانون واگذاری انحصاری تجارت خارجی مملکت به دولت مصوب ۱۳۰۹/۱۲/۶ مجلس شورای ملی و اصلاحات بعدی آن.
۱۲. لوح حق (حافظه قوانین)، مجموعه قوانین و مقررات کشور، دفتر فناوری‌های نوین، معاونت پژوهشی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۳. ناصری، سیدمهدی. دسترسی به بازار، مجموعه مقالات ساختار، قواعد و موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۹۳۳

عنوان گزارش: ۳۱. لزوم ارائه راهکار برنامه‌ای درخصوص چالش فقدان نظام تعرفه‌ای مناسب

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی)

تهیه و تدوین: سعید غلامی باغی

ناظر علمی: فتح‌ا... تازی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: ———

ویراستار ادبی: ———

واژه‌های کلیدی:

۱. تعرفه

۲. واردات

۳. صادرات

۴. برنامه پنجم

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۸/۱۱